

در اهمیت و عظمت هیأت رایة العباس

دکتر سجاد صفار هرندي

جامعه‌شناس و رئیس پژوهشکده فرهنگ و هنر اسلامی حوزه هنری

هیأت‌های عزاداری و به‌طور کلی نهاد عزاداری برای حضرت سیدالشهدا (ع) یکی از کارکردی‌ترین و مهم‌ترین دستگاه‌های فرهنگی جامعه ایران است که در طول تاریخ معاصر هم نقش مؤثر و جدی خودش را نشان داده و در آن تردیدی نیست. به‌طور خاص در مورد هیأت رایة العباس، می‌دانیم که این هیأت به مجموعه هیأت‌های رزمندگان اسلام تعلق دارد. هیأت‌های رزمندگان پاسخی مؤثر و ماندگار به ضرورتی تاریخی بودند. در نیمه دوم دهه هفتاد نوعی التهاب سیاسی و اجتماعی در جامعه ایران پدید و تغییرات نسلی پیش آمده بود. به نظر می‌رسید که فاصله‌ای از دوره اولیه انقلاب و دوره دفاع مقدس و ارزش‌های مربوط به آنها ایجاد شده و نسل جدیدی از جوانان به صحنه آمده‌اند که هیچ تجربه‌ای و هیچ درک بی‌واسطه‌ای از آن فضاها و موقعیت‌ها نداشتند. اینجاست که نهاد هیأت در صورت تازه خود بازسازی می‌شود و نقشی مهم ایفا می‌کند. هیأت‌هایی مانند هیأت رایة العباس و چهره‌هایی مثل حاج محمود کریمی، حاج محمدرضا طاهری و حاج سعید حدادیان در اینکه نهاد هیأت در یک صورت جدید و در یک فرم تازه‌ای و به اقتضای علایق و انگیزه‌ها و تمایلات یک مقدار جوانانه‌تر، عاطفی‌تر و هیجانی‌تر که در جامعه آن روز وجود داشت به صحنه بیاید مؤثر بودند. به یاد دارم یکی از اولین نمودهای این نسل جدید ذاکرین این بود که مجالس مولودی خوانی و جشن برگزار می‌کردند. این مولودی‌ها در ایام اعیاد مذهبی یا ولادت ائمه اطهار در مهدیه تهران یا جاهای دیگر با کیفیت و پر شور برگزار می‌شد و در عین حال که فضایی معنوی داشت طیف‌های گسترده‌ای از همین بچه‌های جوان‌تر را جذب و بعد پای آنها را به هیأت و این دستگاه با می‌کرد. این حرکت‌ها در آن دوره یعنی نیمه دوم دهه هفتاد و اوایل دهه هشتاد نقش مهمی در اینکه در جامعه پسا انقلابی ما یک انتقال نسلی صورت گیرد و یک نسل جدیدی از نیروهای جوان انقلابی و دارای علایق جدی به هیأت و امام حسین (ع) تربیت شوند، ایفا کردند. اینکه چرا جامعه‌شناسان درباره هیأت‌ها و شور حسینی آنها با اتفاقات مهم فرهنگی مثل «سلام فرمانده» تحلیل ارائه نمی‌دهند و مثل مباحث اجتماعی دیگر به آن نمی‌پردازند، باید گفت واقعیت این است ما جامعه‌شناسان با وجود داعیه‌ها و ادعاهای علمی و بی‌طرفی و امثال این به سختی می‌توانیم از اینکه تمایلات ایدئولوژیک یا تمایلات سیاسی را در تحلیل و کار دخالت دهیم، اجتناب کنیم. این کار دشواری است و به نظر من خیلی از دوستانی که به این حوزه می‌پردازند غالباً تحلیل شان و نقاط تمرکز و توجه آنها همراه با نوعی حب و بغض و گرایش خاصی است. به همین دلیل هر داده و رخداد و هر واقعه‌ای که در چهار چوب آن تمایل و حب و بغض باشد یا بگنجد پررنگ و به یک مسأله عام تبدیل می‌کنند. اما اگر چیزی که نافی آن باشد نسبت به آن بی تفاوت می‌شوند. مثل اینکه هیأت‌ها دارند از سمت وسوی انقلابی خارج می‌شوند و ماهیت تشیع هویتی پیدا می‌کنند. یا مثلاً هیأت‌های انقلابی بازارشان بی رونق است و چون این را به عنوان چهارچوب طرح شان پذیرفتند آن وقت موفقیت و تحرک و نشاط و سرزندگی در هیأت‌هایی مثل هیأت رایة العباس حاج محمود کریمی را مجبورند نادیده بگیرند. چون با چهارچوب کلی آنها سازگار نیست، چون بعضی دوستان نگاهشان نگاه زوال‌گرا و انحطاط‌گرا است و تمایل دارند همه موضوعات حوزه دیانت را با نگاه زوال و انحطاط ببینند و بگویند همه چیز از دست رفته است یا دارد می‌رود. البته در مواردی مثل «سلام فرمانده» سکوت هم نکردند و ترجیح دادند با پاسخ‌های راحتی مثل اینکه این سرود پروپاگاندای حکومتی است و امثال این خیال خودشان را راحت و از بار تحلیل واقعیت شانه خالی کنند. به هر حال نکته اصلی حب و بغض‌ها و تمایلات ایدئولوژیک و سیاسی است که در این موضوع خیلی دخیل است و در تحلیل‌ها و تبیین اصحاب علوم اجتماعی دخالت داده می‌شود. اما اینکه ادعا می‌شود نسل جوان در بحث اعتقادی و بایبندی به نظام کم‌رنگ شده‌اند یا اینکه برخی جامعه‌شناسان فرهنگی می‌گویند حضور جوانان در هیأت‌ها و پر شور بودن آنها گذراست و در عمق جامعه اثرگذار نیست، باید گفت واقعیت این است که ما هیچ مؤلفه فرهنگی در ایران امروز نداریم که هم به لحاظ عمق و هم به لحاظ فراگیری و گستره همپای مسأله عشق و محبت به اهل بیت پیامبر (ص) و ائمه اطهار خصوصاً حضرت سیدالشهدا و امام رضا (ع) و امام عصر (عج) باشد. هم از جهت استواری آن در عمیق‌ترین وجوه و هم فراگیری آن در طیف گسترده‌ای از اهالی کشور اعم از تنوع‌های قومی و مذهبی. به اعتقاد من عشق به اهل بیت فقط نقطه اجتماع شیعیان نیست، بلکه حتی از هموطنان اهل تسنن و حتی اقلیت‌های مذهبی غیرمسلمان در این مسأله کانونی با بقیه جامعه ایران سهیم و شریک هستند. این عشق به اهل بیت یکی از بنیادهای پیوند دهنده اجزای جامعه ایران به یکدیگر است و ولو اینکه بخش‌هایی از جامعه از حیث سلاقی و تمایلات با هم تفاوت‌هایی داشته باشند. ممکن است بعضی‌ها سنتی‌تر باشند و بعضی‌ها مدرن‌تر. ممکن است در اندیشه و فکر سیاسی و سبک زندگی شان تفاوت‌هایی داشته باشند. اما در این نقطه با هم اشتراک دارند و این چیزی است که از گذشته داشته‌ایم و هنوز هم ادامه دارد. به همین دلیل است که آن دست‌ها و فکرهای توطئه‌آمیز که قصد از هم پاشیدن جامعه ایران را دارند تلاش می‌کنند این پیوند را تضعیف کنند و روی چهره ماه خاک بپاشند یا با تمسخر و تحریف‌های تاریخی در این ارادت و محبت خللی وارد کنند. هیأت‌هایی مثل هیأت رایة العباس از آنجایی که روی این ویژگی بنیادی و فرهنگی جامعه ایران سوار شده‌اند و به درستی در روش‌ها و شیوه‌های عزاداری خودشان در عین اینکه سنت‌ها را حفظ کردند، اهل ابداع و نوآوری و خلاقیت بودند موفق هستند. البته اخلاصی که در افرادی مثل حاج محمود کریمی وجود دارد و به نظر می‌رسد در روح کلی هیأت هم جاری و ساری است، باعث شده هیأت رایة العباس به یک کانون مهم فرهنگ‌ساز و الهامبخش نه فقط در سطح تهران، بلکه در کل ایران و حتی جامعه شیعی فراتر از ایران تبدیل شود.

حاج محمود هیچ وقت دنبال دیده شدن نیست

عبدالرضا هلالی

مداح و ذاکر اهل بیت



به اعتقاد من عشق به اهل بیت فقط نقطه اجتماع شیعیان نیست، بلکه حتی از هموطنان اهل تسنن و حتی اقلیت‌های مذهبی غیرمسلمان در این مسأله کانونی با بقیه جامعه ایران سهیم و شریک هستند. این عشق به اهل بیت یکی از بنیادهای پیوند دهنده اجزای جامعه ایران به یکدیگر است

یکی از سنت‌های پسندیده، احترام به پیشکسوتان در عرصه‌های مختلف است. عرصه مداحی نیز در طول سالیان دراز قدردان پیشکسوتان خود بوده و ما هم امروز قدردان بزرگ‌ها و سرمایه‌های خود هستیم. بزرگ‌ترهایی همچون حاج منصور ارضی، حاج حسین سازور، حاج سعید حدادیان، حاج محمدرضا طاهری و حاج قربان جزو سرمایه‌های تکرار نشدنی مداحی در کشورمان هستند. یکی از این سرمایه‌ها حاج محمود کریمی است، پیشکسوتی که بعید است مثل او تکرار شود. از نظر جامعیت، حاج محمود کریمی بی‌نظیر است. این جامعیت در چند عرصه قابل توجه است؛ اولین عرصه توانایی فنی ایشان در مداحی است. ما روضه‌خوان‌های توانمند زیادی داریم، اما صرفاً در عرصه روضه‌خوانی توانمند هستند. شورخوان‌های زیادی داریم، اما فقط در شورخوانی تبحر دارند. شاید با جرأت بتوان گفت مداحی که هم در روضه و هم در سینه‌زنی و هم در شورخوانی درجه یک باشد، حاج محمود کریمی است.

حاج محمود، استاد دستگاه‌های موسیقی است. دستگاه‌های قرائت قرآن را به خوبی می‌شناسد و یک قاری توانمند قرآن هم است. از طرف دیگر، یک شاعر آیینی درجه یک است. بسیاری از نوحه‌های مشهور، سروده خود ایشان است، حتی شعرها و نوحه‌هایی که شعرا زحمت می‌کشند و به ایشان می‌دهند، غالباً توسط خود حاج محمود ویرایش می‌شود. پس حاج محمود هم روضه‌خوان است، هم نوحه‌خوان، هم شورخوان، هم شاعر، هم آشنا با دستگاه‌های موسیقی. به همه اینها باید فهم دقیق از مخاطب را هم اضافه کرد. مداح باید مثل یک روانشناس، به تک تک سینه‌زنان پای منبر خود توجه کند. اینها از جمله ویژگی‌های جامع حاج محمود در عرصه مداحی است. در بعد فردی هم ویژگی‌های متعددی دارد که باعث جامعیت وی می‌شود. حاج محمود فکر بسیار روشنی دارد. با آغوش باز شنونده درد دل‌های جوان‌هاست. حامی نوآوری‌های جوان‌ترهاست و اگر جایی اشتباهی می‌بیند، سعی می‌کند به جای طرد، راهنمایی و اصلاح کند.

حاج محمود اهل مطالعه است و به خاطر سفرهای زیادی هم که می‌رود با فرهنگ‌های مختلف آشناست و همین باعث شده در مخاطب‌شناسی و فهم فرهنگ‌های مختلف و تکثر سلیقه‌های گوناگون بسیار خوب عمل کند. ویژگی مهم دیگر حاج محمود، اعتقاد خالصانه‌اش به امام حسین علیه‌السلام است. اعتقاد حاج محمود به امام حسین خیلی خاص است. این مسأله باعث شده حاج محمود یک خلوت بی‌نظیری با امام حسین داشته باشد. نماز صبحی نیست که حاج محمود بخواند و بعد از آن یک روضه مفصل نخواند. اگر کسی حاضر باشد برای همان چند نفر روضه می‌خواند، اگر هم کسی نباشد، خودش برای خودش روضه می‌خواند. وجود اشک زیاد در خلوت است که نتیجه‌اش اشک زیاد در آن جلسات عظیم می‌شود. حاج محمود یکی از مداحان خوش اشک است و واقعا خودش را برای امام حسین خرج می‌کند. خوب است مداح مرتب وارد جلسه عزای امام حسین بشود، اما نباید مرتب و اتوکشیده خارج بشود. باید حال حاج محمود را بعد از جلسات از نزدیک ببینید که متوجه شوید چطور خودش را در جلسه خرج کرده است. هیچ وقت هم به دنبال نمایش خود نبوده. اساساً شاید یکی از دلایل اوج گرفتن حاج محمود، این است که ذره‌ای به دنبال اثبات و بلا بردن خودش نیست. خودش را کنار گذاشته و همه توجهش معطوف به انجام وظایفش است و برای همین است که امام حسین علیه‌السلام هم به فکر و وجودش برکت می‌دهد. من احساس می‌کنم ایده‌های نابی که حاج محمود اجرا می‌کند، از نور اهل بیت است که به او الهام می‌شود. در ایام کرونا، به علت محبتش نسبت به امام حسین علیه‌السلام نمی‌توانست بی تفاوت باشد، برای همین ایده راه‌اندازی دسته‌های عزاداری در کوچه‌ها را راه انداخت. با فهم اجتماعی زیادی هم که دارد، مراسم روز تاسوعا را همراه با کودکان ساکن مجاور کوره‌های آجرپزی برگزار کرد. چنین عملکرد حیرت‌انگیزی نمی‌تواند توسط یک آدم عادی که مداح است انجام شود. حاج محمود کریمی یک نخبه به تمام معناست.



ایران
شنبه
۸ مرداد
۱۴۰۱



حاج محمود، استاد دستگاه‌های موسیقی است. دستگاه‌های قرائت قرآن را به خوبی می‌شناسد و یک قاری توانمند قرآن هم است. از طرف دیگر، یک شاعر آیینی درجه یک است. بسیاری از نوحه‌های مشهور، سروده خود ایشان است، حتی شعرها و نوحه‌هایی که شعرا زحمت می‌کشند و به ایشان می‌دهند، غالباً توسط خود حاج محمود ویرایش می‌شود.

